

عنوان: اخلاق و مدیران در سیره و سخنان امام رضا علیه السلام

نام و نام خانوادگی نویسنده: اعظم کمائی

چکیده:

رسالت این نوشتار در تبیین رابطه اخلاق مدیران در سیره و سخنان امام رضا (ع) است. هر چند سابقه تاریخی علم اخلاق به درازای آفرینش انسان بر می گردد و زندگی دینی انسانی در تداوم تاریخ با دستورات اخلاق عجین و قرین بوده است. حضرت آدم (ع) به عنوان اولین پیامبر الهی؛ فرزندان را با دستورات اخلاقی آشنا می کند و حضرت محمد (ص) که آخرین فرستاده اوست فلسفه بعثت خویش را تتمیم اخلاق می داند. از سوی دیگر؛ پذیرش مقوله مدیریت نیز با زایش و رویش زندگی اجتماعی انسان ها همسان و همسو بوده است که مدیریت خانواده، شهر، آستان، کشور و ملت را در بر می گیرد. با توجه به موقعیت و نقش استراتژیکی مدیر، رعایت و عدم رعایت اخلاق و فضائل اخلاقی، هدایت و ضلالت جامعه بستگی به کیفیت مدیریت مدیر دارد. در قرآن کریم نیز نقش مدیر، در هدایت جامعه به سوی پیشرفت و تمدن و یا انحطاط و عقب ماندگی و هم تقسیم و تبدیل جامعه به جامعه دینی و جامعه سکولار پذیرفته شده است.

واژه های کلیدی: اخلاق، مدیر، شایستگی، امام رضا، تدبیر

مقدمه:

بی تردید اخلاق در نظام اجتماعی، از ضرورت و لزوم انکار ناپذیر برخوردار است. حکومت و دولت و مدیریت، که سرآمد نظام اجتماعی است، اخلاق نیز ارزش خود را داراست. در نظام و مکاتب غربی، هر چند با تعدد و گوناگونی بحث اخلاق تیز در جایگاه متفاوت قرار می گیرد، اما در نظام مقدس اسلام، هیچ رویکردی نمی تواند، ارزش و نقش اخلاق در پیشرفت و موفقیت مدیریت را در نظام اجتماعی را انکار کند. به گونه ای که مدیریت منهای تعهد و التزام به آموزه های اخلاقی، هیچ پیام و پیامد مثبت را برای جامعه اسلامی نمی تواند به ارمغان آورد. هیچ شایستگی و لیاقت با ارزش و ارجمندی اخلاق، برابری نمی کند. بلکه تمامی شایستگی ها با میزان اخلاق به سنجش کشیده می شود. بنابراین، توقع می رود، نظام اجتماعی اسلام، سرآمد نظام و اندیشه های بشری باشد، اما آن گونه نیست، به نظر می رسد، علت اصلی آن، این باشد که آن طوری که آموزه های اسلام و معصومین، به اخلاق تاکید کرده است. جوامع و نظام اجتماعی، آن را در عمل تطبیق ننموده اند، که می تواند به خاطر عدم آگاهی از برنامه

ها و امتیازات اخلاقی باشد، تحقیق حاضر، رابطه اخلاق و مدیریت را در سیره و سخنان امام رضا (ع)، به کنکاش گرفته است، تا باشد امتیازات نظام اخلاقی را از غیر آن، به صورت علمی با اتکا به آیات قرآن و احادیث تبیین نماید.

اخلاق و مدیران در سیره و سخنان امام رضا علیه السلام

1- یک مدیر موفق، پرگویی نمی کند.

امام رضا علیه السلام: الصُّمْتُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ... إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ بَرٍّ (حرانی - تحف العقول، ص 466)

«سکوت دری از درهای بهشت است...! و راهنمای انسان به هر کار خیری است.»

پرگویی و سخن بیش از حد، یکی از ویژگی های نامطلوب در «مدیریت» است، زیرا پر حرفی معمولاً دلالت بر کم فکری و ضعف عقلی گوینده دارد.

برخی از افراد متکلم و حده اند و به طور دائم حرف می زنند و یک لحظه چانه ی مبارک را آرام نمی گذارند. اگر مخاطب آنها مانند خودشان انسان پر حرفی باشد و به نحوی مسند سخن را از آنان برای لحظه ای بگیرد و کلامی بگوید، خود را به سخنان او بی میل نشان او بی میل نشان می دهند. حال آنکه مدیران و عاقل باید کم بگویند، سخن دیگران را بشنود و از افکار خوب آنها استفاده کند. درباره مذمت و ناپسند بودن پر حرفی، روایات بسیاری از پیشوایان ماذکر شده که به عنوان نمونه به آن روایات اشاره می شود.

امام علی علیه السلام: الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَابِلٌ (غُرر الحکم، ج 1، ص 120)

«سخن مانند داروست کم آن سودمند و زیاد آن کشنده است.»

همانگونه که انسان تا مریض نشود از دارو استفاده نمی کند، بهتر است تا احتیاج به سخن پیدا نکرده است، حرفی نزند و اگر گفتن کلامی لازم شد به اندازه نیاز سخن بگوید و مازاد آن را ترک کند، که اگر زیاد از حد سخن بگوید، خود را هلاک خواهد کرد، مانند بیماری که دارویی را بیش از حد مصرف کند در مقابل پرگویی سکوت بیجا و بیش از حد هم صحیح و عاقلانه نیست، زیرا قدرت تکلم یکی از الطاف. خداوند به بشر است که باید از این نعمت الهی در وقت مناسب استفاده کرد.

مَا الْإِنْسَانُ لَوْ لَا اللِّسَانُ إِلَّا صُورَةٌ مُّثَلَّةٌ أَوْ بِهِمَّةٌ مُّهْمَلَةٌ (تصنيف غرالحکم، ص 209)

«انسان اگر زبان نداشته باشد، چیزی جز تصویر نقاشی شده یا چهار پای اهلی شده نیست.»

چیزی که انسان را از یک تصویر بی خاصیت و یا از یک حیوان رام متمایز می سازد، سخن گفتن است. اگر کسی هر چه در اطراف او می گذرد - خوب و بد - همه را ببیند و بشنود و عکس العملی از خود نشان ندهد و به همه بی اعتنا باشد با یک حیوان رام فرقی نخواهد داشت.

در جای دیگر امیر المومنین علی علیه السلام می فرمایند:

الْصُّمْتُ بِغَيْرِ تَفَكُّرٍ، خَرَسَ (تصنيف غرالحکم، ص 2)

«سکوت بدون فکر کردن، گنگی است.»

پس سکوت خوب است، ولی نه در هر جا و نه در هر حالت.

کسی که هیچ سخن نمی گوید، اما فروانندیشه ای هم نمی کند، عمر خود را به بطالت می گذراند.

2- عاقبت ستمگری:

امام رضا علیه السلام: لَا يَعْدِمُ الْعُقُوبَةُ مَنْ أَدْرَعَ بِالْبَغْيِ (مقتل الرضا، ص 53)

«آن کس که ستم را مایه ی بقای خود قرار داد، عقوبت دامن گیرش می شود.»

ظلم و ستم به مردم دارای عواقب ناپسند دنیوی و اخروی است. در این باره روایات بسیاری نقل شده که از باب نمونه چند روایت ذکر می شود.

امیر المومنین علی علیه السلام می فرمایند:

البغی يوجب الدماء (مقتل الرضا، ص 53)

«ستم موجب هلاکت است.»

امام علی علیه السلام:

آفة العمران حور السلطان (غرالحکم، ج 1، ص 274):

«آفت آبادانی ستم سلطان است.»

یعنی کسانی که ستمکار باشند، اگر خدمات شایانی هم داشته باشند و عمران و آبادی ایجاد کرده باشند، در اذهان مردم زحماتشان از بین می رود و در آخرت هم اجر و پاداشی نخواهد داشت.

3- عفو و اغماض، لازمه مدیریت

امام رضا علیه السلام می فرمایند :

« هیچ دو گروهی با هم مبارزه نکنند مگر این که، پیروزی با آن دسته خواهد بود که عفو بیشتری داشته باشد. »
(راشدی، لطیف - حضرت رضا از ولادت تا شهادت ، ص 97)

درباره چشم پوشی و گذشت، آیات و روایات بسیاری وجود دارد. قرآن مجید در این باره می فرماید :

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ (سوره توبه آیه 61)

«از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند او خوش باور است ، بگو خوش باور بودن او به نفع شماست .»

یکی از شان نزول هایی که برای آیه فوق ذکر نموده اند ، این است که گروهی از منافقان دورهم نشسته بودند و سخنان ناهنجاری درباره ی پیامبر صلی الله علیه و آله می گفتند.

یکی از آنها گفت : این کار را نکنید زیرا می ترسم به گوش محمد برسد و او به ما بگوید و مردم را برضد ما بشوراند.

یکی از آنها نامش «جلاس» بود ، گفت :مهم نیست ، ماهر چه بخواهیم می گوئیم و اگر به گوش او رسید نزد او می رویم و انکار می کنیم ، زیرا محمد آدم خوش باور و دهن بینی است. (تفسیر نمونه، ج 8، ص 14) اما قرآن مجید به بزرگواری پیامبر اسلام اشاره می کند و ضمن رد سخن آنان می فرماید :

«این رفتار پیامبر برای شما بهتر است . کنایه از آن که پیامبر می داند شما دروغ می گوئید و لکن برای آن که شما هدایت کرده باشد و از کنار خود دور نسازد و برگناه جرات نکنید خطاهای شما را بر ملا نمی کند.»

نتیجه آن که در صورتی که جرم ، مساله ای ناچیز باشد ، مانند بدگویی به مدیر یا مسائلی از این قبیل ، مدیر می تواند بزرگوارانه از کنار آن بگذرد و مجرم را مورد عفو قرار دهد.

عن ابی محمد العسکری علیه السلام :

مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ (بحار الانوار ، ج 75 ، ص 374)

« کسی که برادر دینی خود را پنهانی موعظه نمود، او را زینت کرده است و اگر آشکار موعظه نمود آبرویش را برده است.

4- حفظ اسرار خود و محل کار

امام رضا علیه السلام می فرمایند : مِنْ عَلَامَةِ الْمُؤْمِنِ كِتْمَانُ السِّرِّ (مقتل الرضاعليه السلام ، ص 51)

« از نشانه های ایمان حفظ اسرار است .»

یکی از مسائلی که مدیران باید به آن توجه داشته باشند حفظ اسرار زیر دستان است .

در این باره امام زین العابدین علیه السلام می فرمایند :

مَنْ كَفَّ عَنْ إِعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ أَقَالَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (ببحار الانوار، ج 72، ص 256)

«کسی که آبروی مسلمانان را حفظ نمود، خداوند در روز قیامت لغزشهایش را از او دور گرداند.»

و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است :

أَلَا وَ مَنْ سَمِعَ فَاحِشَةً فَأَنْشَأَهَا مَحْجُورًا كَالَّذِي أَتَاهَا (ببحار الانوار، ج 72، ص 213)

«بدانید کسی که گناهی را شنید و جایی نقل کرد ، مثل کسی است که آن گناه را مرتکب شده است .»

5- بدون تعیین اجرت کسی را اجیر نکنید

امام رضا علیه السلام : إِنْ قَدْ نَهَيْتُمْ عَنْ مِثْلِ هَذَا غَيْرَ مَرَّةٍ أَنْ يَعْمَلَ مَعَهُمْ أَحَدٌ حَتَّى يُقَاطِعُوهُ عَلَى أُجْرَتِهِ (کلبی، کافی، ج 5، ص 288)

من بارها آنان را از به کار گیری بدون تعیین اجرت نهی کردم حقوق افراد را باید قبل از شروع به کار مشخص کرد تا فرد در صورت مایل بودن ، همکاری کنی و گرنه منصرف شود ، نه این که شخصی را برای مدت زیادی به کار گرفت و پس از آن حقوق ناچیزی به او پرداخت کرد که با ناراحتی کار را ترک کند.»

در این مورد روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است :

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَسْتَعْمَلَ اجِيرٌ حَتَّى يُعْلَمَ مَا أُجْرَتُهُ (وسائل الشیعه ، ج 3، ص 246)

«امام صادق علیه السلام از پدرانشان علیه السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله از به کار گیری اشخاص قبل از معین شدن اجرت آنان نهی فرمودند .»

6- به خائنان کار مسپار

امام رضا علیه السلام : فَإِنَّ الْأَمِينَ يَخُونُ وَلَكِنْ قَدْ يُؤْتَمَنُ الْخَائِنُ (مقتل الرضا علیه السلام ، ص 51)

شخص امین خیانت نمی کند اما گاهی خائن امین دانسته می شود. مدیران مسلمان باید از انسان های خائن و سابقه دار دوری کنند و به خائنان کار سپارند تا مورد اتهام قرار نگیرند

امیر المومنین علی علیه السلام به مالک اشتر می نویسد :

« بدترین وزرا کسانی هستند که وزیر زمامداران بد و اشرار قبل از تو بوده اند و کسی که با آنان در گناهشان

شریک بوده است . پس نباید این افراد از خواص و نزدیکان تو باشند . آنان یاور گناهکاران و برادر

ستمکارانند، درحالی که تواز بین مردم جانشین خوبی برای آنها می یابی که از جهت رای و نفوذ اجتماعی

مثل آنها باشند، ولی بار گناه و معصیت آنها را نداشته باشند. (ر.ک نهج البلاغه ، نامه 53)

«هرکس با گناهکاران و فاسقان دشمنی نموده و برای رضایت خدا خشمناک شود خدائیز به خاطر او خشمناک گشته و روز قیامت از او راضی خواهد بود (و یا او را راضی خواهد نمود).»

10- خستگی ناپذیری

امام رضا علیه السلام: لَا يَسْأَمُ مَنْ طَلَبَ الْحَوَائِجَ إِلَيْهِ (حرانی، تحف العقول، ص 466)

«از درخواست های مردم دلگیر نمی شود.»

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

أَلَخَلَقُ عِيَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَأَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورٍ (اصول کافی، ج 2، ص 199)

«مردم روزی خوار خدایند، بهترین شما نزد خدا، کسی است که به بندگان خیر برساند و اهل خانه ای را خوشحال کند.»

امام باقر علیه السلام می فرماید: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ أَتْبَاعُ سرور المسلم، قِيلَ وَمَا أَتْبَاعُ سرور المسلم؟ قَالَ شَبْعُهُ جوعه، تَنْفِيسُ كَرْبَتِهِ، قَضَاءُ دِينِهِ؛ (بحار الانوار، ج 74، ص 283)

از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله پرسیدند: بهترین عمل نزد خدا چیست؟ فرمود: مسلمانی را خوشحال نمودن است. گفتند چگونه می توان چنین کرد؟ گرسنه راسیر کردن، گرفتاری کسی را رفع نمودن و حاجت نیازمند را برآورده کردن است.

عبادت به جز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست

گاهی خدمت به برادر دینی در این است که حاجت و خواسته ی او را به اطلاع صاحب قدرت و مدیران بالاتر برساند، لذا کسی حق ندارد از این مقدار خدمت نیز خودداری کند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرمایند:

مَنْ أْبْلَغَ سُلْطَانًا حَاجَةً مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ إِبْلَاغَهَا أَتَبَتَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدَمَيْهِ عَلَى الصِّرَاطِ (بحار الانوار، ج 75، ص 384)

« هرکس حاجت و سخن کسی را خودش نمی تواند، حاجتش را به مسوول بالاتر برساند، خداوند قدم های او را در پل صراط ثابت می گرداند.»

اگر خدمت به بندگان خدا عبادت و ارزش است، بی توجهی به مشکلات آنها هم گناه و ضد ارزش است. خداوند همان قدر به بنده اش با نظر لطف توجه می کند که بنده نیز به دیگران نظر لطف داشته باشد.

در روایتی نقل شده: بنده گناه کاری از دل عذاب ندا می دهد

که یا ارحم الراحمین! به این بنده بیچاره و نگون بخت رحم کن.

پاسخ می شنود: ای بنده ی گناهکار ما! آیا تو درد دنیا به یک گنجشک هم رحم کرده ای ، که ما آن را وسیله وبهانه ی آزادی تو قرار دهیم . (کنزالفوائد، ح 44263، 5992)

امام کاظم علیه السلام می فرماید: مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فِي بَعْضِ أَحْوَالِهِ فَلَمْ يَجِرْهُ بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ فَقَدْ قَطَعَ وَلَايَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (اصول کافی ، کتاب ایمان و کفر)

«هرگاه کسی به فردی مراجعه کند برای حاجتی که برای آن فرد، رفع حاجت آن نیازمند، مقدور است اما اواز کمک ، خودداری کند ، درحقیقت خود را از ولایت الهی خارج نموده است.»

11- پاکیزگی خود و محل کار

امام رضا علیه السلام: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنَظُّفُ (مجلسی ، محمدباقر - بحار الانوار ، ج 75، ص 335)
از خوی و خلق انبیاء پاکیزگی است.

«بدون شک یکی از بارزترین صفات اخلاقی اولیای خدا پاکیزگی و طهارت و دوری از هر نوع آلودگی بوده است.»
رسول خدا می فرماید: يَا أَنَسُ! أَكْثَرُ مِنَ الطُّهُورِ، يَزِدُّ اللَّهَ فِي عُمْرِكَ (الامانی ، مفید ، ص 60، مکارم الاخلاق ، ص 40)
«ای انس! طهارت و پاکیزگی را بیشتر رعایت کن تا خدا بر عمرت بیفزاید.»

امام رضا علیه السلام می فرماید: خداوند تبارک و تعالی ، از بیچارگی و فلاکت و فلاکت نمایی بیزار است و خداوند مردانی که ژولیده و کثیف باشد را دشمن دارد. (فقه الرضا علیه السلام، ص 354)

12- مدیریت زمان

امام رضا علیه السلام می فرمایند: تلاش کنید زمانتان چهار قسمت باشد :

1- برای مناجات خدا 2- برای امرار معاش 3- دیدار دوستان 4- بهره گیری از لذات حلال (کتابچی - محسن - آیین زندگی از دیدگاه امام رضا علیه السلام ، ص 148)

آیین مقدس اسلام توصیه می کند که مسلمانان برای وقت خویش برنامه داشته باشند براساس اصول صحیح و منطقی در بخشهای گوناگون توزیع کنند.

چنین توزیعی که امام رضا علیه السلام ، درمورد وقت داشتند. امام علی علیه السلام نیز در حکمت 382 در نهج البلاغه بیان می کند که همه ی این تاکیدها از طرف پیشوایان معصوم ما ، می فهماند که تنظیم و تقسیم عادلانه ی وقت ، امری لازم است و کسی می تواند به موقعیت هایی چشمگیر دست یابد که این اصل موفقیت آمیز را رعایت نماید.

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به «قثم بن عباس» که در آن زمان به عنوان نماینده ی حکومت علوی ، مدیریت منطقه حجاز را برعهده داشت می نویسد: **وَاجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرَيْنِ ، وَأَفْتِ الْمُسْتَغْتِي وَاعْلَمْ الْجَاهِلَ وَذَاكِرِ الْعَالِمَ** (نهج البلاغه، نامه 67)

هر صبح و عصر ، ساعتی را برای رسیدگی به کارهای مردم قرار بده و به پرسشهایشان پاسخ گو باش ، ناآگاهان مردم را آگاه ، و آگاهانشان را متذکر باش.

مرجع بزرگ شیعه مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی می فرمود :

توزیع الوقت توسیعه و تشتیت الوقت تفویته (مقاله توزیع در اسلام از سید رضا تقوی دامغانی)

توزیع وقت موجب وسعت و گشایش و پراکندگی باعث از بین رفتن وقت خواهد شد.

بنابراین مدیر باید زمان را نسبت به کارها و مراجعاتش تقسیم کند . برای هریک از کارها ، زمان خاصی را منظور بدارد تا هم از نظر وقت با کمبود روبرو نشود و هم از نظر رسیدگی به کارها مجبور به حذف بعضی از آنها نباشد.

13- پیمان شکنی مایه ی شکست است

امام رضا علیه السلام : **لَا يَعْدِمُ الْمَرْءُ دَائِرَةَ السُّوءِ مَعَ نَكْثِ الصَّفَقَةِ** : «پیمان شکن ، جزایش را می بیند .»

هیچ عاملی در شکستن شخصیت مدیر، همانند بی توجهی به وعده ها و زیر پا گذاشتن پیمانها نیست ،

آفت زیانبار پیمان شکنی نه تنها حیثیت و حرمت مدیریت رامی شکند بلکه به عنوان اخلاقی زشت ، محیط کار را

آلوده و پایه های سازمان را متزلزل می کند و به قول حافظ :

هر که در مزرع دل تخم وفا سبز نکرد زرد روئی کشد از حاصل خود وقت درو

از میان همه ی روایاتی که پیرامون وفای به عهد داریم روایت زیر می تواند اهمیت وفای به عهد را هر چه بهتر بشناساند.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا دِينَ كَمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ (بحار الانوار، ج 72، ص 198)

پیامبر خدا فرمود: «کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی کند دین ندارد.»

چنین بیانی که رعایت پیمان از ارکان دین محسوب می شود درسرخان دیگر پیشوایان معصوم نیز وجود دارد:

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنَّ الْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ مِنْ عِلَامَاتِ أَهْلِ الدِّينِ (سفینه البحار، ج 2، ص 675)

حضرت علیه السلام فرمود : « وفای به عهد و پیمان از نشانه های مردم دیندار است .»

یکی از چیزهایی که در روز قیامت از انسان باز خواست می شود همین پیمان ها و دوره هاست و خداوند می فرماید:

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء، آیه 36)

«به پیمان خود وفا کنید که البته از پیمان باز خواست می شود.»

نتیجه:

با توجه به ضرورت لزوم مدیریت و اخلاق در جامعه و خصوصاً در حوزه مدیریت، تلازم این دو ضروری به نظر می‌رسد. نقش مدیریت در پیشرفت و انحطاط جامعه و همین طور دینی و سکولار کردن جامعه قابل انکار نیست. از این رو امام رضا علیه السلام در موارد متعدد، بر نقش مدیر در جامعه پرداخته و بر اخلاقمند بودن آن تأکید داشته است. مدیریت در اسلام، زمانی ارزشمند و قابل احترام است، که در پرتو تطبیق و کاربردی کردن گزاره های اخلاقی، که احقاق حق و ازهاق باطل است، تحقق یافته و به اجرای آن پردازد. بررسی ویژگی های مدیر شایسته، به نحوی گامی در راه تحقق و آرمان مدیر اسلامی و اخلاقی است

منابع و ماخذ:

1-قرآن کریم

2-نهج البلاغه

3-آمدی، عبدالواحد، غررالحکم ودر الکلم، به تحقیق میر جلال الدین محدث، دانشگاه تهران، 1360ش.

4-اربلی، علی ابن عیسی، کشف الغمه، دارالکتاب الاسلامی، بیروت 1401ق

5-تقوی دامغانی، سیدرضا، مقاله توزیع در اسلام

6-راشدی، لطیف و سعید، حضرت رضا از ولادت تا شهادت، پیام علمدار، 1389ش

7-دفتر تبلیغات اسلامی، تصنیف غررالحکم، قم، چاپ اول

8-حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، انتشارات آل علی، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ سوم، سال 1383

- 9- حر عاملی، شیخ محمد ابن حسن، وسایل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، تهران 1388 ه ق.
- 10- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا: انتشارات مسجد جمکران، چاپ زمستان 1389
- 11- فیض کاشانی، ملا محسن، محجه البیضاء، تحقیق علی اکبر غفاری، موسسه النشر الاسلامی، قم {بی تا}
- 12- قمی، شیخ عباس، انوار البهیمه، تهذیب، 1392 ش.
- 13- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تحقیق: مجمع البحوث الاسلامیه، اشراف، علی اکبر الهی خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1416 ه ق.
- 14- کتابچی، محسن، آیین زندگی از دیدگاه امام رضا (ع)، نشر الف، چاپ چهارم 1387
- 15- کلینی، محمد ابن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1365 ه ق.
- 16- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالاحیاء التراث العربی، 1403 ق.
- 17- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1365 ه ق.
- 18- مفید، امالی- چاپ کنگره جهانی هزاره ی شیخ مفید- قم، چاپ دوم 1413 ه ق